

به نام پروردگار مهربان

ترجمه و مفهوم عربی کنکور

+ تعریب

دهم | یازدهم | دوازدهم

به همراه واژه‌نامه موضوعی و الفبایی

مهران ترکمان، عباس حیدری



لقمه طلایه



مهروماه



بخش اول

درس نامه





فیس تو فیس با ترجمه کنکور

قبل از این که بخواهیم از نکات ترجمه و نحوه حل آن سردر بیاریم و وارد معرکه گیری های کنکوری اش شویم، باید یک سری اطلاعات درباره خود ترجمه داشته باشیم که جایش در کتابها و جزوهها خالی است! (چرا بغض کردی؟ جای اونو نمی گم که! جای تحلیل سوالات رو گفتم) خُب! بخش قابل توجهی از سوالات کنکور در درس عربی مربوط به ترجمه و تعریب و مفهوم است.

این سؤالها و عبارات معمولاً از متن های کتاب درسی نیست، حداکثر که طراح عزیز (دامت برکاته) بخواهند در حق ما لطفی کنند و لبخند را بر لبهای ما بیاورند، این است که سوالات را کمی شبیه عبارت های آمده در کتاب طرح کنند!

پس خیلی دلتان را خوش نکنید که ما لغات و متن های کتاب را جویده ایم البته این توانایی شما بعداً به دردمان می خورد ولی اکنون جایش نیست!

بنابراین ما برای حل تست ترجمه به یک سری ابزار و وسایل خاص و البته شناختن سلیقه طراح نیاز داریم! مثلاً باید بدانیم طراح برایش مهم نیست که تو بدانی کلمه «سمح» یعنی چی؟ بلکه برایش مهم است که بدانی این کلمه فعل است و باید به صورت فعل ترجمه شود نه مصدر (اجازه داد) و یا این که مثلاً طراح برایش مهم نیست که تو چقدر لغت بلدی ولی برایش مهم است که یک سری لغات خاص، اصطلاحات، کاربرد برخی حروف و تأثیرش روی فعلها را بدانی! پس حواسمان به نکاتی مثل این جمع باشد؛ «قام» یعنی «ایستاد» ولی «قام ب» یعنی «به کاری پرداخت» و «انجام داد».



آقا اجازه؟!

ممکن است در همین جای داستان برایتان سؤال شود که «برادر تر کمان» لغات خاص که اون بالا گفتی چیه؟ مگه خودت نگفتی لغت نمی‌خواد بلد باشیم؟ چرا رو اعصاب ما تک چرخ می‌زنی؟!

در پاسخ به شما باید بگوییم که ما در تست‌های ترجمه با یک‌سری لغت خاص کار داریم، خاص یعنی این که معنی کلمه با آمدن یک حرف جزّ عوض می‌شود، یا این که ترجمه‌اش به قیافه‌اش نمی‌خورد. (مثلاً انصرف یعنی «روانه شد»)

و این که خلاصه جنس آن‌ها با بقیه لغات که صرفاً باید حفظ شوند فرق دارد و کمی جَلَب و نکته‌دارند! البته نگران نباشید؛ اولاً این کلمات در حل سؤال نقش اصلی ندارد و معمولاً مکمل راه‌حل‌های دیگر هستند ثانیاً در پایان کتاب آن‌ها را برایتان جمع کرده‌ایم تا با وجود اینجانب غمی حس نکنید جز دوری خودمان!

در بخش بعدی که درس‌نامه است بیشتر با «فیوریت‌های» طراح آشنا می‌شویم و آن‌ها را تمرین می‌کنیم.

پس لطفاً الآن قیافه‌تان را این‌طوری نکنید که طاقتش را نداریم! بعد از این نکات بد نیست به شکل و تیپ‌بندی سؤالات ترجمه و تعریب هم اشاره کنیم چون ممکن است در نحوه حل آن‌ها روشمان فرق کند. **الف. سؤالات تک عبارتی:** یک عبارت می‌دهند و چهار گزینه زیر آن، مانند تست صفحه بعد:



تست نمونه

«الكتاب هو الذي يقدر أن يكون صديقك المخلص و ينجيك من الضلال و يرشدك إلى سبيل الرشاد!»:

(زبان ۹۲)

- ۱) کتاب است که می‌تواند دوست مخلص تو باشد و تو را از گمراهی نجات دهد و به راه هدایت ارشاد کند!
- ۲) این کتاب است که می‌تواند همان دوست خوب تو باشد که از گمراهی رهائیت بخشد و به هدایت کشاند!
- ۳) کتاب همان کسی است که برای تو دوستی خوب و نجات‌بخش است و تو را به راه درست هدایت می‌کند!
- ۴) این کتاب است که می‌تواند دوستی خالص برایت باشد و تو را از گمراهی نجات بخشد و به راه هدایت افکند!

ب. سوالات چهارعبارتی: هر گزینه یک عبارت فارسی یا تمرین دارد که ترجمه یا تعریب هریک مقابل آن‌ها آمده است.

- دقت کنید که اگر در پایان سه گزینه اول نقطه (.) یا علامت تعجب (!) باشد، هر گزینه مستقل از گزینه دیگر است و ربطی به هم ندارند اما اگر پایان سه گزینه اول ویرگول (،) یا نقطه ویرگول (؛) بیاید یعنی گزینه‌ها به هم مرتبط هستند و باید با توجه به گزینه‌های قبلی ترجمه یا تعریب شوند. (یعنی ممکن است یک فعل مضارع در گزینه (۴) با توجه به «کان» در گزینه (۱) ترجمه شود. (ماضی استمراری)

چهارعبارتی مستقل

تست نمونه

(ریاضی ۹۴)

عین الصحيح:

- ۱) لا تتكاسل، فإنَّ النَّجَاحَ لَا يُنَاسِبُ الْكَسَلَ! تنبلی مکن که موفقیت با تنبلی تناسب ندارد!

مثال: جاء كل الطلاب إلا علياً. ← همه دانش آموزان آمدند به جز علی.
سألت أسئلة من الاستاذ إلا واحداً. ← سؤال هایی را از استاد پرسیدم
به غیر از یکی.

• مستثنی مفرغ در جملات منفی را می توانیم به صورت مثبت و به همراه قیود انحصاری (فقط، تنها) ترجمه کنیم. (بهتر است این گونه ترجمه کنیم).

مثال: ما جاء إلا علي.] نیامد به جز علی.
فقط علی آمد.

لا يذهب إلا المعلم.] نمی رود مگر معلم.
فقط معلم می رود.

• مستثنی مفرغ در جملات سؤالی بدون تغییر ترجمه می شود.

مثال: هل العلم إلا فضيلة؟] آیا علم (چیزی) جز برتری است؟
علم فقط برتری است.

• گاهی برخی از افعال مانند افعالی را که بیانگر صفات خداوند هستند، به صورت صفت ترجمه می کنیم.

مثال: قال الله عزّ و جلّ. ← خداوند عزیز و بزرگوار گفت.

خلق الله تبارك و تعالی الإنسان. ← خداوند بلندمرتبه و متعال، انسان را آفرید.

◀ ترجمه مشتقات

• اسم فاعل: در ترجمه آن از پسوندهای «-نده، ا» استفاده می کنیم.

مثال: حامد ← حمد کننده | عالم ← دانا | مهلك ← نابود کننده

• اسم مفعول: به صورت صفت مفعولی (بن ماضی + ه) ترجمه می شود.

مثال: مكتوب ← نوشته شده | مغفور ← آمرزیده شده

• اسم مبالغه: در ترجمه آن از قید (بسیار) استفاده می کنیم.

مثال: ستار ← بسیار پوشاننده | علامة ← بسیار دانا

بخش دوم

شیرفہم گاہ

(تحلیل سوالات کنکور)



از ابتدای کتاب قول این قسمت رو بهتون داده بودم. این جا مهم ترین بخش کتاب است، می خواهیم یاد بگیریم وقتی تست ترجمه را دیدیم چه کنیم؟ (بغلش کن) از کجا شروع کنیم؟ سراغ فعل برویم؟ گزینه ها را مقایسه کنیم؟ آیا در هر تستی این نحوه پاسخ دهی ما را به جواب می رساند و تمام تست ها یک جور حل می شوند و خلاصه کلی از این جملات مبهم و پرسش گرانه که مثلاً ما الآن قصد داریم بگوییم درد دل شما را می شناسیم. می دانیم اعصاب ندارید ... باشد دیگر ادامه نمی دهیم... این گونه ما را نگاه نکنید بغضمان می گیرد.

سؤالات ترجمه تک عبارتی

از این جو دادن ها که بگذریم بهترین راه این است که سؤالات را براساس داشتن یا نداشتن چراغ سبز تقسیم بندی کنیم. چراغ سبز چیست؟ چراغ سبز (فقط و فقط) یعنی «زمان فعل ها و کلمات کلیدی و ساختارها» نه هیچ نکته دیگری حتی پنج به علاوه یک هم چراغ سبز نیستند. نحوه رفتار ما با سؤالاتی که چراغ سبز دارند و سؤالاتی که چراغ سبز ندارند، متفاوت است. ابتدا دو تست زیر را ببینید که سؤال اول چراغ سبز دارد (س، لن) و تست دوم هیچ گونه چراغ سبز و نکته ای در صورت سؤال ندارد.

تست نمونه

«نحن سنذهب مع قائدنا إلى القتال و لن نترکه وحيداً في الوقت الحرج!»:

(ریاضی ۹۳)

- ۱) با رهبر خویش به محل نبرد رهسپار می شویم و او را در زمان سختی ترک نمی کنیم!
- ۲) به همراه فرمانده برای مبارزه خواهیم رفت و هرگز او را در وقت دشواری رها نمی کنیم!
- ۳) ما همراه فرمانده خود به نبرد خواهیم رفت و هنگام سختی او را تنها ترک نخواهیم کرد!

۴) ما با رهبر خود به میدان جنگ می‌رویم و او را در زمان دشواری تنها رها نخواهیم کرد!

پاسخ گزینه ۳ «سنذهب» آینده است (رد گزینه‌های ۱ و ۴)،
«لن نترک» مستقبل منفی است (رد گزینه‌های ۱ و ۲).

? تست نمونه

«أعرض عن هوی نفسک حتی لا یصل ضرره إلی قلبک!»: (ریاضی ۹۳)

- ۱) از هواهای نفس خود اعراض کن تا به دل تو زیان نرساند!
 - ۲) از هوای نفس خود روی برگردان تا زیان آن به قلبت نرسد!
 - ۳) از خواهش‌های نفسانی خویش پرهیز کن تا ضررش به قلب تو نرسد!
 - ۴) از خواهش نفسانی خویش دوری کن تا ضررهایش را به دل تو نرساند!
- پاسخ** گزینه ۲ «هوی» مفرد است (رد گزینه‌های ۱ و ۳)، «نفس» نباید به صورت صفت (نفسانی) ترجمه شود (رد گزینه‌های ۳ و ۴). «ضرر» یک اسم مفرد است ولی در گزینه (۱) به صورت فعل و در گزینه (۴) جمع ترجمه شده است.

پس سؤالاتی که ما از صورت سؤال می‌توانیم بفهمیم به دنبال چه برویم، می‌شوند سؤالات چراغ سبزدار. مثلاً در سؤال اول، قبل از خواندن گزینه‌ها و صرفاً بررسی صورت سؤال و دیدن «سو و لن» می‌توانیم بفهمیم که در گزینه‌ها باید به سراغ چه چیزی برویم. در این دسته از سؤالات ابتدا به کمک چراغ سبزدار به رد گزینه می‌پردازیم. غالباً دو گزینه حذف می‌شود. وقتی بین دو گزینه ماندیم به هیچ عنوان مجدداً صورت سؤال را نمی‌خوانیم (بزرگ‌ترین اشتباه و عامل اتلاف وقت بسیار)، بلکه به مقایسه دو گزینه می‌پردازیم. این مقایسه باید به صورت عمودی (زیر هم) و پازلی باشد. (پازل یعنی محتوای مشترک زیرهم‌گزینه‌ها) توجه کنیم که مقایسه ما می‌تواند از اول، وسط یا آخر عبارت صورت بگیرد، یعنی هر

نحوه پاسخ‌گویی به سؤالات

در این بخش قراره با هم تمرین کنیم که در نحوه رفتار با سؤالات چه کنیم؟ و در واقع آموخته‌های قبلی را در عمل پیاده نماییم. این جا سه بخش داریم که آروم آروم تمام فرمول‌ها و الگوی تست‌های ترجمه را با هم خواهیم دید! پس اول تست را می‌آوریم و سپس به مشخص کردن الگو و نحوه رفتار با آن می‌پردازیم.

۱ ترجمه تک‌عبارتی

? تست نمونه

۱. «أعرض عن هوى نفسك حتى لا يصل ضرره إلى قلبك!»: (ریاضی ۹۳)
- از هواهای نفس خود اعراض کن تا به دل تو زیان نرساند!
 - از هوای نفس خود روی برگردان تا زیان آن به قلبت نرسد!
 - از خواهش‌های نفسانی خویش پرهیز کن تا ضررش به قلب تو نرسد!
 - از خواهش نفسانی خویش دوری کن تا ضررهایش را به دل تو نرساند!

تحلیل: این سؤال چراغ سبز ندارد پس به صورت عمودی و پازلی به مقایسه می‌پردازیم. «هواها» و «خواهش‌ها» در گزینه‌های (۱) و (۳) جمع‌اند و «هوی» در صورت سؤال مفرد است؛ هم‌چنین «ضررهایش» در گزینه (۴) جمع است ولی «ضرر» در صورت سؤال مفرد است.

? تست نمونه

۲. «نحن سنذهب مع قائدنا إلى القتال و لن نترکه وحيداً في الوقت الحرج!»: (ریاضی ۹۳)
- با رهبر خویش به محل نبرد رهسپار می‌شویم و او را در زمان سختی ترک نمی‌کنیم!

بخش سوم

واژگان و جملات مهم (درس به درس)



ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

(او همان خداست)

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

پایه دهم

حَبَّة: دانه	أُبْحَاث: پژوهش‌ها «مفرد: بَحْث»
حَوْل: پیرامون، دورتادور	إِبْحَثْ: تحقیق کن
خَلْق: آفرینش	أَبْيَض: سفید
دَار: چرخید	أَحَبَّ: دوست داشت
دُرَر: مرواریدها «مفرد: دُر»	أَحْجَار: سنگ‌ها «مفرد: حَجَر»
دَلِيل: راهنما، سبب	أَخْرَجَ: درآورد
ذَا (هذا): این	أَرْسَمَ: رسم کن
ذات (ذو، ذا، ذی): دارای، صاحب	إِلَى اللِّقَاء: به امید دیدار
ذَاكَ (ذَلِك): آن	أَنَا بِخَيْرٍ: من خوبم
رَاسِب: مردود	أَنْجَم: ستارگان «مفرد: نَجْم»
رَخِيصَة: ارزان	أَنْزَلَ: نازل کرد
رَقَدَ: خوابید	أَنْظُرُ: نگاه کن
زَان: زینت داد	أَنْعَم: نعمت‌ها «مفرد: نِعْمَة»
سَافِر: سفر کرد	أَوْجَدَ: پدید آورد
شِرَاء: خریدن	بَالِغ: کامل
شَرَرَة: اخگر (پاره آتش)	بَدَايَة: آغاز
صَارَ: شد	بَعِيد: دور
صَبَاحَ الْخَيْر: صبح به خیر	بَيْع: فروش
ضِيَاء: روشنائی	ثَمَرَة: میوه
عَفْوًا: ببخشید	جَذْوَة: پاره آتش
غَالِيَة: گران‌قیمت	جَوَّ: هوا، آسمان

مَسْمُوح: غیرمجاز	غصون: شاخه‌ها «مفرد: غُصْن»
مَطَار: فرودگاه	غَیْم: ابر
مَطَر: باران	فَرَاغ: جای خالی
مَعَ الْأَسْف: متأسفانه	فُسْتَان: پیراهن زنانه «جمع: فَسَاتین»
مُقْتَدِرَة: نیرومند	فِي أَمَانِ اللَّهِ: در پناه خدا، خداحافظ
مَكْتَبَة: کتابخانه	قَاعَة: سالن
مَلَابِس: لباس‌ها «مفرد: ملبس»	قَبِيح: زشت
مُنْتَشِرَة: پخش شونده	قَرِيب: نزدیک
مُنْهَمِرَة: ریزان	قُل: بگو
مُوظَّف: کارمند	كُوكَب: ستاره
نَام: خوابید	لَوْن: رنگ «جمع: ألوان»
نَسَائِيَة: زنانه	مُتْرَاكِم: فشرده
نَضِرَة: تروتازه	مُجْتَهِد: تلاشگر
نَمَت (نما): رشد کرد	مُجِد: کوشا
نِهَائِيَة: پایان	مُحَافَظَة: استان
وَاجِبَة: تکلیف	مَرَقَد: آرامگاه
يَسَار: چپ	مُسْتَعِرَة: فروزان
يَمِين: راست	مُسْتَعِينًا بِ: با کمک

◀ جملات و اصطلاحات مهم

- ۱ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾: ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد.
- ۲ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِرَةِ: دارای شاخه‌های تر و تازه.



۳ فَبَحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ:

پس تحقیق کن و بگو این چه کسی است که از آن [درخت] میوه را در می آورد؟

۴ فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ:

در آن [خورشید] روشنایی است و با آن گرما و حرارتی پخش شونده است.

۵ ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ:

آن همان خداوندی است که نعمت‌هایش ریزان است.

۶ وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ:

و آن را با ستارگانی زینت داد.

۷ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمِ؟:

نام شریف‌ت چیست؟

۸ ﴿وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾:

و در خلقت آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند) پروردگارا! این را بیهوده نیافریده‌ای.

بخش چهارم

مفهوم



• ﴿... كُلِّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾: هر چیزی هلاک شونده است، جز ذات خداوند.

آیات مرتبط:

آن که نمر دست و نمیرد تویی و آن که تغییر نپذیرد تویی
 داده خود سپهر بستاند نقش الله جاودان بماند
 رها نیست از چنگ و منقار مرگ سرپشه و مور تا پیل و گرگ

• كُلِّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بَمَا جَعَلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ، فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ: هر ظرفی به آنچه در آن قرار داده شود، تنگ می شود جز ظرف دانش که گسترش می یابد. (هیچ پایانی برای اندوختن علم نیست.)

• ﴿سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عَسْرٍ يُسْرًا﴾: خداوند بعد از هر سختی، آسانی قرار خواهد داد.

آیات مرتبط:

از پی هر گریه آخر خنده ایست مرد آخر بین مبارک بنده ایست
 کار جهان خدای جهان این چنین نهاد
 نفع از پی گزند و نشیب از پی فراز


• إِذَا أَرَادَ اللَّهُ هَلَاكَ نَمْلَةٍ أَنْبَتَ لَهَا جَنَاحِينَ: هرگاه خداوند هلاکت مورچه ای را بخواهد، برایش دو بال می رویاند.

عبارات مرتبط:


مور همان به که نباشد پرش.
 إِذَا جَاءَ أَجْلُ الْإِبْلِ دَارَ حَوْلَ الْبَيْتِ.
 إِذَا قَضَى اللَّهُ لِرَجُلٍ أَنْ يَمُوتَ بِأَرْضٍ جَعَلَ لَهُ، إِلَيْهَا حَاجَةً.
 هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست

به غیر مصلحتش رهبری کند ایام


• ادعى الثعلب شيئاً و طلب قيل: هل من شاهد؟ قال الذئب: روباه چیزی را ادعا کرد و درخواست کرد، گفته شد: آیا شاهد داری؟ گفت: دم. (دمم) ضرب المثل مرتبط:

 به روباه گفتند شاهدت کیست؟ گفت: دمم.


• إن أكرمت اللئيم تَمَرَّدَا: اگر فرومایه را اکرام کنی، سرکشی می کند. **ابیات مرتبط:**


 خبیث را چو تعهد کنی و بنوازی

به دولت تو گنه می اندازد به انبازی

 چو با سفله گویی به لطف و خوشی


فزون گرددش کبر و گردن کشی


 کسی بابدان نیکویی چون کند


 خرچه داند قیمت نقل و نبات لایق هر خر نباشد زعفران

• لا يؤمن أحدكم حتى يُحبَّ لأخِي ما يحبُّ لنفسه: کسی از شما ایمان نمی آورد، تا این که دوست بدارد برای برادرش آنچه را که برای خودش دوست می دارد.

عبارات مرتبط:

 آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران هم نپسند.

 اگره لآخرین ما تکره لفسک.

 یه سوزن به خودت بزن یه جوال دوز به مردم

• هذا الذي تعرف البطحاء و طأته و البيت يعرفه و الجل و الحرم

این کسی است که سرزمین مکه قدمگاهش را می شناسد و خانه [خدا] و بیرون و محدوده احرام، او را می شناسند. (امام میان همگان شخصی مشهور است و همه او را می شناسند.)



- مُدَّ رَجْلَكَ عَلَى قَدْرِ كَسَائِكَ: پایت را به اندازهٔ جامه‌ات (گلیمت) دراز کن. (از زندگی به اندازهٔ امکاناتت توقع داشته باش.)

تست‌های نمونه

۱. «من يتأمل قبل الكلام يسلم من الخطأ» عین المناسب للمفهوم: (ریاضی ۹۳)

(۱) «لِمَ تقولون ما لا تفعلون»

(۲) سخن‌دان پرورده پیر کهن
بیندیشد آنکه بگوید سخن!

(۳) إذا تمّ العقل نقص الكلام!

(۴) سخن تا نپرسند لب بسته‌دار
گهر نشکنی تیشه آهسته‌دار!

پاسخ گزینهٔ ۲ عبارت مورد سؤال (هر کس قبل از سخن گفتن

تأمل و تفکر کند از اشتباه در امان می‌ماند.) و گزینهٔ (۲) بیانگر

این است که انسان باید قبل از سخن گفتن به سخنش فکر کند تا

از خطا و لغزش در امان باشد. ترجمهٔ گزینهٔ (۱): چرا به آنچه که

می‌گویید، عمل نمی‌کنید؟ ترجمهٔ گزینهٔ (۳): هنگامی که عقل کامل

باشد سخن ناقص می‌شود.

۲. «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ!» عین المناسب للمفهوم: (تجربی ۹۳)

(۱) إِنَّ خَيْرَ الْكَلَامِ مَا يُمْكِنُ فَهْمَهُ لِلنَّاسِ!

(۲) إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ عَنِ كَلَامِكُمْ بَيْنَ النَّاسِ!

(۳) يَجِبُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَحْفَظُوا لِسَانَكُمْ أَمَامَ النَّاسِ!

(۴) تَأَمَّلْ قَبْلَ أَنْ تَبْدَأَ بِالْكَلَامِ أَمَامَ النَّاسِ!

پاسخ گزینهٔ ۱ عبارت مورد سؤال (با مردم به اندازهٔ عقلشان سخن

بگو) و گزینهٔ (۱) بیانگر این است که باید به اندازهٔ درک و فهم

مخاطبان سخن بگوییم و سخنی نیکو است که مخاطب آن را دریابد.

بخش پنجم

پرسش‌های چهارگزینه‌ای



ریاضی ۹۴

عَيْنَ الْأَصْحٰ و الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ.

۱. «من قُتِلَ مَظْلُومًا، فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»:

(۱) چنانچه کسی را مظلومانه به کشتن دهند، اولیای دم وی را سلطه می دهیم!

(۲) هر کس مظلومانه به قتل برسد، برای صاحب خون او قدرتی قرار می دهیم!

(۳) آن که قتل او مظلومانه باشد، صاحب خونش را سلطنت می بخشیم!

(۴) کسی که با ظلم کشته شود، ولی دم او را قدرتمند ساخته ایم!

۲. «الْفُرْصَةُ الذَّهَبِيَّةُ تَحْصُلُ لِجَمِيعِ النَّاسِ، وَ لَكِنَّ النَّاجِحِينَ هُمُ الَّذِينَ

يَقْتَنِصُونَهَا!»:

(۱) فرصت‌هایی طلایی وجود دارد که برای همه مردم پیش می آید

ولی تنها پیروزمندان هستند که موفق به شکار آن‌ها می شوند!

(۲) فرصت‌های طلایی برای تمامی مردم حاصل می گردد، ولی

انسان‌های موفق همان کسانی هستند که آن‌ها را شکار می کنند!

(۳) فرصت‌های زرین برای همه انسان‌ها حاصل شدنی است، اما تنها

افراد پیروز هستند که شکارش می کنند!

(۴) برای تمامی مردمان فرصت‌هایی زرین به دست می آید، ولی فقط

افراد موفق به شکار آن نایل می شوند!

۳. «كَانَ آبَاؤُنَا يُؤَكِّدُونَ دَائِمًا أَنَّ طَرِيقَ الْوُصُولِ إِلَى الْعُلَى هُوَ الْإِحْسَانُ فِي

حَقِّ النَّاسِ!»:

(۱) تأکید پدران ما همیشه این بوده است که طریق دستیابی بر

بزرگی، احسان کردن به مردم است!

(۲) سفارش نیاکان ما تأکید بر این بوده که راه حصول به بزرگی‌ها،

خوبی کردن در حق ناس است!

(۳) پدران ما همواره تأکید می کردند که راه رسیدن به بزرگی، نیکی

کردن در حق مردم است!

۱۱۹. «گمان نمی‌کردم که تو با وجود مشکلات بسیار، در کسب علم

کوشا باشی!» عین‌الصحيح:

- (۱) لا أظنُّ أنّك تكون مجتهداً في الاكتساب العلم رغم المشكل الكثير!
- (۲) ما كنا نظنُّ أنّك تكون ساعياً رغم المشكل الكثير في اكتساب العلم!
- (۳) ما كنتُ أظنُّ أنّك رغم المشاكل الكثيرة، تكون ساعياً في اكتساب العلم!
- (۴) لا أظنُّ أنّك رغم المشاكل العديدة أن تكون نشيطاً في اكتساب العلم الكثير!

۱۲۰. «بزرگان اگر تلاش نداشتند هرگز به اهداف خود نمی‌رسیدند و از

رسیدن به آنها لذت نمی‌بردند!»:

- (۱) إن ما كان الجدُّ عند العظام فلن يبلغوا أهدافهم و لن تعطى لهم لذة من وصولها!
- (۲) إن لم يكن للعظماء سعى لم يصلوا إلى أهدافهم أبداً و لم يتلذذوا بالوصول إليها!
- (۳) إن لم يكن عند الكبار اجتهادٌ لم ينل أهدافهم أبداً و لم تُعط اللذة لهم من إدراكها!
- (۴) إن ما كان الجهد للعظماء لا يصلوا إلى أهدافهم حتى الأبد و لا يتلذذون من بلوغها!

خارج از کشور ۹۷

عین‌الأصحّ و الأدقّ! فی الجواب للترجم أو المفهوم أو التعريب

۱۲۱. «يا أيها الرسول، بلغ ما أنزل إليك من ربك، و إن لم تفعل فما بلغت

رسالته»: ای رسول؛

- (۱) چیزی را که خداوند بر تو نازل کرده ابلاغ کن، که اگر نکنی رسالت خود را ابلاغ نکرده‌ای!
- (۲) برسان چیزهایی را که از پروردگار بر تو فرود آمده و اگر چنین نکنی رسالت او را نخواهی رساند!

بخش ششم

پاسخ نامہ تشریحی



ریاضی ۹۴

۱. گزینه «۲»

«قُتِلَ» فعل مجهول است (کشته شود - به قتل برسد) ولی در گزینه (۱) به صورت معلوم و در گزینه (۳) به صورت اسم ترجمه شده. در گزینه (۴) هم «مَنْ» شرط به صورت «کسی که» ترجمه شده.

۲. گزینه «۲»

«تحصل: حاصل می‌گردد - به دست می‌آید» (رد گزینه‌های ۱ و ۳)، «الناس: مردم»، «هم الذین: همان کسانی هستند که...» «یقتنصون: شکار می‌کنند» (رد گزینه ۴).

۳. گزینه «۳»

«کان» به همراه فعل مضارع (يُؤكِّدون) آمده پس به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود. (رد سایر گزینه‌ها) ضمناً «العلی» مفرد است ولی در گزینه‌های (۲) و (۴) به صورت جمع ترجمه شده است.

۴. گزینه «۳»

«الزَّمَل» معادل «شن» است نه «شنی». (رد گزینه‌های ۲ و ۴)، در گزینه (۱) هم «یخلب» که ماضی استمراری است به صورت ماضی بعید آمده.

۵. گزینه «۱»

ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): پرستار ماهر در کارهایش تنبلی نمی‌کند!
گزینه (۳): دانش‌آموزان در کلاس نمراتشان را مشاهده کردند در حالی که موفق بودند.

گزینه (۴): با کسی که بر تو دلسوزی می‌کند در حالی که تو در غفلت هستی، دوستی کن.

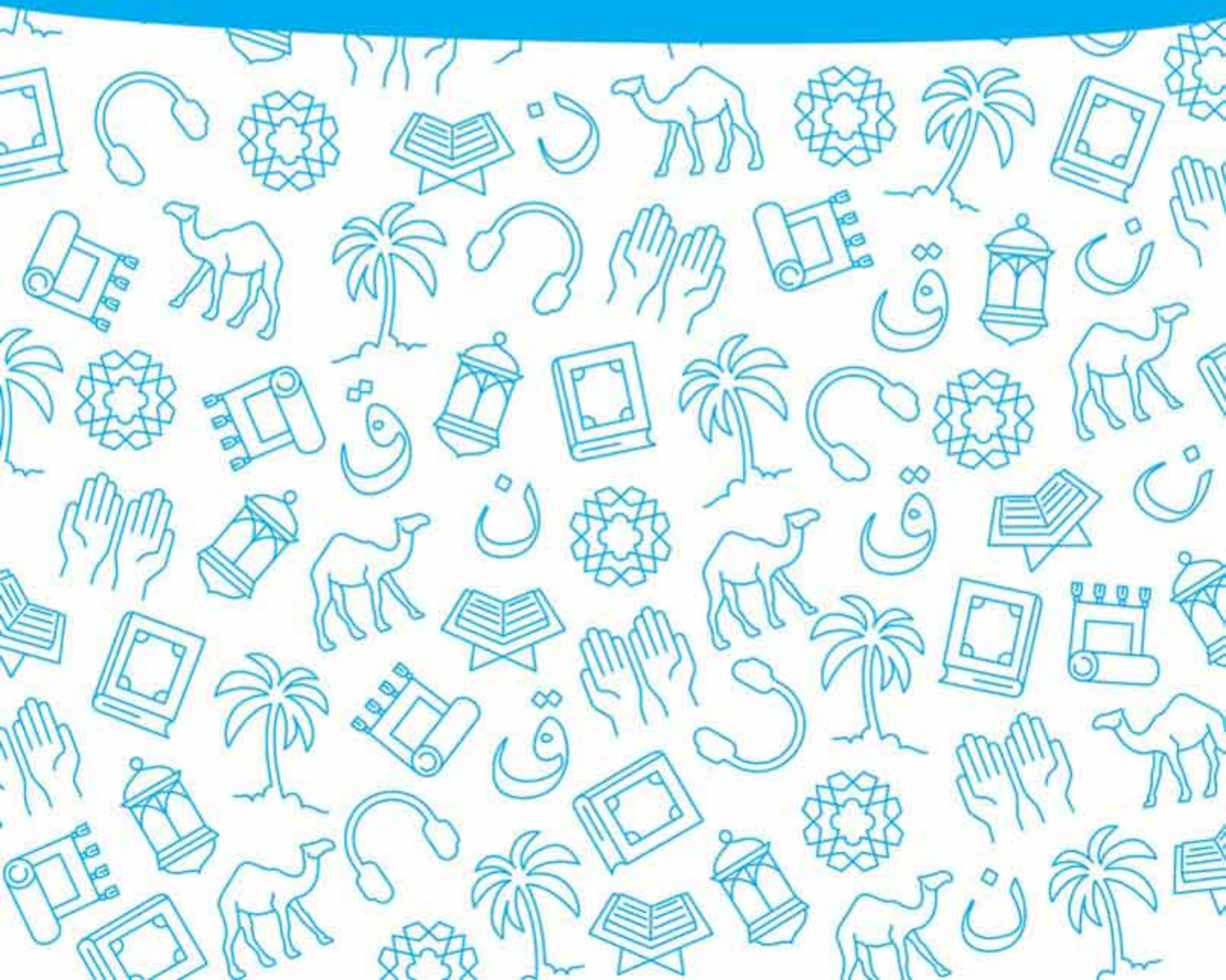
۶. گزینه «۴»

عبارت عربی می‌گوید: «برادرت را بانیکی سرزنش کن» ولی عبارت فارسی



بخش هفتم

واژه‌نامهٔ موضوعی





الفواكه: میوه‌ها

جُبْنَة، جُبْن	پنیر	فاکِهَة، ثَمْرَة	میوه
حَلِيب	شیر	عِنَب	انگور
غَدَاء	ناهار	رُمان	انار
عَشَاء	شام	تُفَّاح	سیب
مَرَق	خورش	مِشْمِش	زردآلو
شَرَاب	شربت، نوشیدنی	جَزَر	هویج
زَيْت	روغن	تَمْر	خرما
رُز	برنج	لَيْمُون	لیمو

التحية: سلام و احوالپرسی

صَبَاحَ الْخَيْرِ	صبح به خیر
صَبَاحَ النُّورِ	صبح به خیر
مَرْحَبًا بِكُمْ	خوش آمدید، درود بر شما
أَهْلًا وَّ سَهْلًا بِكُمْ	خوش آمدید
السَّلَامُ عَلَيْكَ	سلام بر تو
مَسَاءَ الْخَيْرِ	شب به خیر
الْوَدَاعِ	خداحافظی
إِلَى الْلِقَاءِ	به امید دیدار
مَعَ السَّلَامَةِ	به سلامت، خداحافظ
فِي أَمَانِ اللَّهِ	خداحافظ

المأكولات: خوردنی‌ها

فَطُور	صبحانه
عَصِيرُ الْفَاكِهَةِ	آبمیوه
شَاي	چای
شَهْد	عسل
زُبْدَة	کره
خُبْز	نان

بخش هشتم

واژه‌نامهٔ فبایی

(دهم – یازدهم – دوازدهم)



واژه‌نامه الفبایی

الف

جواب داد	أَجَابَ	آتی، آتِ	آینده، در حال آمدن
پاسخ داد به	أَجَابَ عَن	آخِر	پایان (جمع آن: آخِرین: آیندگان)
پاداش	أَجْر	آخِر	دیگر
جاری کرد	أَجْرَى	آفَة	آسیب
به تأخیر انداخت	أَجَّلَ	آلَمَ	به درد آورد
گران قدرتر	أَجَّلَ	آلِهَة	خدایان (مفرد آن: إله)
سخن‌ها، روایت‌ها	أَحَادِيث	آلَة	دستگاه (جمع آن: آلات)
(مفرد آن: حدیث)		آلَة طِبَاعَة	دستگاه چاپ
تارهای صوتی	أُحْبَالُ صَوْتِيَّة	أَمِنَ	ایمن
(جمع آن: أُحْبَالُ / مفرد آن: حَبْل)		أَمَنَ	ایمن کرد، ایمان آورد
دوست داشت	أَحَبَّ	آيَة	نشانه (جمع آن: آیات)
محبوب‌تر، محبوب‌ترین	أَحَبَّ	أ	
یازده	أَحَدَ عَشَرَ	أب	(أبو، أبا، أبی) پدر (جمع آن: آباء)
کسی، یکی از، یکتا، تنها	أَحَدَ	أَبَدًا	تا ابد، ابدی
یکشنبه	الأحد	أَبْصَار	دیدگان (مفرد آن: بَصْر)
بهتر، بهترین	أَحْسَنَ	أَبْيَض	سفید
آفرین بر تو	أَحْسَنْتَ	إِتْسَعَ	فراخ شد
خوبی کرد، خوب انجام داد	أَحْسَنَ	أَتَقَى	پرهیزگارتر، پرهیزگارترین
آورد، حاضر کرد	أَحْضَرَ	أَتَى	آمد
رؤیایها (مفرد آن: حُلْم)	أَحْلَام	أَثَارَ	برانگیخت
حلال‌تر، حلال‌ترین	أَحَلَّ		